

### کودتای شوم و ننگین 7 ثور

کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ در تاریخ افغانستان یکی از واقعات مصیبت بار است که بعد از کسب استقلال افغانستان در ۱۹۱۹ بار دیگر زمینه مستعمره شدن و انقیاد کشور افغانستان را برای دولت سوسیال امپریالیستی شوروی مساعد ساخت و به تعقیب آن عملاً دولت شوروی بر افغانستان تجاوز نمود و ببرک کارمل این شاه شجاع دوم را بر اریکه قدرت نشاند.

لازم نمی بینم در این نبشته راجع به کودتای ۷ ثور ورژیم خلق و پرچم و جنایات گسترده آنها به تفصیل صحبت نمایم چون این کار در طول سال های متوالی از طرف روشنفکران آزاده، مستقل و مردمی که بخاطر منافع مردم افغانستان می اندیشند، مکرر صورت گرفته است. همچنان کشتار، معلول و معیوب نمودن بیش از دومیون انسان، آواره گی و بدبختی ۶ میلیون مهاجر، کشتار وسیع و گسترده روشنفکران مردمی در پولیگون های پلچرخ و به زندان افگندن، رنج و شکنجه آنها، بمباردمان قرأوقصبات، فقری دوائی و بی عدالتی همه و همه بیانگر ماهیت ننگین کودتای هفت ثور را آشکار می سازد.

هشت ثور بدتر بود از ۷ ثور  
هر دو باشد ارتجاع یک دوسر

از کودتای ۷ ثور تا کنون رژیم های که در افغانستان بوجود آمده اند، همه رژیم های ارتجاعی و وابسته ارتجاع و امپریالیسم بوده و منافع آن ها را بر آورده میسازند. من بحث فعلی خود را صرف در این نکته متمرکز می سازم که آیا مبارزه با هفت ثوری ها جدا از مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم است. اگر در شرایط فعلی نگاه کنیم به سادگی در می یابیم که همین اکنون ۷ ثوری ها، هشت ثوری ها و دیگر جناح های مرتجع مثل بخش های از حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار و طالبان در رژیم کنونی کرزی متحده شده و از پشتیبانی دولت های مرتجع منطقه، امپریالیسم امریکا و قوای ناتو بر خوردار میباشند و از طرف آن ها به اشکال مختلف کومک های مادی و تسلیحاتی می شوند و باعث سیاه روزی، بدبختی، فقر و فلاکت مردم افغانستان میگردند.

اگر اختلاف و یا تضادی بین آن ها وجود دارد فقط بخاطر کسب منافع و امتیازات دولتی است که هر کدام شان میخواهند سهم زیادتر از آخور امپریالیسم نصیب شوند. در جهت دیگر مردم مظلوم افغانستان قرار دارد که از بیکاری، بی نانی، بی دوائی و فقر و فلاکت روز افزون رنج می برند. این ها از یک طرف زیر ظلم و ستم نیروهای دولتی، قوماندانان و ملیشای مسلح و بمباردمان قوای نظامی امریکا و ناتو قرار دارند و از طرف دیگر موجد حملات انتحاری، ظلم، ستم و شکنجه طالبان قرار می گیرند و بین دو سنگ آرد می شوند.

### نیروهای ملی، مردمی و مترقی کدام نیروها هستند؟

نیروهای که بر ضد ارتجاع و امپریالیسم به اشکال گوناگون مبارزه مینمایند و هدف آن ها آزادی، شکوفائی و سربلندی افغانستان می باشد و پیشرفت و ترقی افغانستان را در اعتماد به نفس و اتکا به نیروی مردم افغانستان میدانند و هر نوع انقیاد و وابستگی لفظی و عملی با دولت دست نشانده راعاروننگ میدانند. نیروهای ملی، مترقی، و مردمی را تشکیل میدهند.

این ها نیروهای پیشرونده، رشد یابنده پویا و مترقی بوده و نیروهای اساسی و عمده جامعه افغانستان را تشکیل میدهند که باید بخاطر وحدت و هماهنگی آن ها کار و پیکار خستگی نا پذیر نمود.

### نیروهای ضد مردمی کدام نیروها هستند؟

نیروهای که برای انقیاد و وابستگی افغانستان کار می کنند و خپرو فلاح خویشرا در وابستگی ، انقیاد و موجودیت نیروهای خارجی و وابسته امپریالیسم می دانند. این نیروها نیروهای ارتجاعی ، عقبگرا و ضد پوینده گی بوده و محکوم به شکست هستند .

مشکلات و پرابلم های نیروهای ملی و مترقی چیست؟

ز بیدردان علاج درد خود جستن بدان ماند  
که خار از پا بیرون آرد کسی با نیش عقرب ها

یکی از مشکلات نیرو های ملی ، غیروابسته و مترقی آنست که بسیاری از این نیروها در حالت پراکنده گی و تشتت به سر می برند و

بعضی از این نیرو ها دچار یک سلسله توهمات و توقعات گردیده و به شکلی از اشکال تجاوز و عملکرد امپریالیسم را توجیه می نمایند. وشعار باصطلاح خوب وخوبتر را بجای بد وبدتر انتخاب میکنندوبه این ترتیب دولت دست نشانده کرزی را توجیه نموده و آنرا نسبت به طالبان ترجیح میدهند. در حالیکه هردو جناح دولت کرزی و طالبان هردو بد بوده ضد مردم و ضد پیشرفت ،ترقی و تکامل میباشد. هر گاه منظور این باشد که طالبان کثیف تر ، زن ستیز تر و ارتجاعی تر از دولت دست نشانده است باید گفته شود که طالبان بد تر از دولت کرزی است. نه اینکه دولت کرزی بهتر یا خوبتر از طالبان است. یکی دیگر از این توهمات اینست که آن ها فکر می کنند که اگر با امپریالیسم و دولت دست نشانده کنار آئیم گویا ما هم مثل نیروهای ارتجاعی به حاکمیت خواهیم رسید و صاحب نان ونمکی خواهیم شد در حالیکه آنان با این کار پایه ملی و مردمی خویش را از دست میدهند وبه سطح نیروهای وابسته و تاریخ زده تنزل می یابند . همسویی ، همگرایی و کنار آمدن بادولت دست نشانده تنها اصولی و بسود نیروهای ملی و مترقی نیست بلکه شفافیت ، زلا لیت و پاکی آن هارا نیز خدشه دار می سازدو اعتماد مردم را از ان ها سلب می نماید

الا ای رهروان راه آزادی وخوشبختی

مگیرید هرزه انسان های نفرین کرده تاریخ را  
مباد بد بوگران شوم دامان سپید راه تان را لکه دار سازد  
شما در ژرفنای راه تان خورشید تابان در بغل دارید

مشکلات دیگر آنست که بسیاری از نیرو های ملی و مترقی در حالت تشتت و پراکندگی به سر می برند و نمی توانند و یا نمیخواهند با هم یکجا شوند مثل معروف است که « کسبیکه با دوستان خود دوستی کرده نتواند هرگز با دشمنان خود دشمنی کرده نمیتواند».

### وظایف نیرو های ملی و مترقی

بهم یگانه شوید ای عقاب های غیور  
که کرگسان پی تاراج تان یگانه شده است

در شرایط کنونی وظیفه نیرو های ملی و مترقی این نیست که تنها با هفت ثوری هاویا هشت ثوری ها مبارزه نمایند و یا اعمال آن هارا تقبیح نمایند، بلکه وظیفه بس بزرگی بر دوش آن ها قرار دارد. آن ها با اژدهای خونین و چند سر درگیر هستند که یکی از سرهای آن هفت ثوری ها و یا هشت ثوری هاست. تقبیح کردن خوب است ، ولی یکی از کار هاست. جنبش ملی ، مردمی و مترقی افغانستان باید از حالت پراکندگی ، ایستائی خود مرکز بینی و سکنارستی برآید و به جنبش وسیع و قدرتمند ملی تبدیل شود در غیر آن هر قطره آب در جایش خشک خواهد شد و هیچ گاه به سیلاب خصم برانداز تبدیل نخواهد شد .

راه بیرون رفت

نیروهای ملی، مترقی و غیروابسته میتوانند در یک گفتمان ملی و مردمی شرکت نمایند و طرح‌ها و دیدگاه‌های خویش را ارائه نمایند و خط استراتژیک خویش را مشخص و معین سازند و دشمن عمده و اساسی را مشخص نمایند تا تمام نیروهای ملی و مترقی در یک خط واحد حرکت نموده و از مبارزات خویش نتیجه مثبت بدست آورند به نظر نویسنده دشمن عمده و اساسی خلق افغانستان ارتجاع، امپریالیسم و نوکران بومی آن‌هاست است که همه آنها در یک ائتلاف نامقدس و ضد مردمی گردآمده و کشور را به سوی وابستگی و انقیاد سوق میدهند ناگفته نباید گذاشت که تضاد و اختلاف آنها با طالبان در اینست که در شرایط فعلی طالبان از حمایت پاکستان و دولتها و نیروهای مرتجع منطقه به شکل مرموز برخوردار هستند و آنها از حمایت امپریالیسم امریکا و قوای ناتو باید مبارزات نیروهای مترقی افغانستان در جهت بسیج ساختن مردم و بر اندازی سلطه ارتجاعی و امپریالیستی سازماندهی شود، در غیر آن انرژی‌ها به هدر خواهد رفت و عمر ارتجاع و امپریالیسم طولانی تر خواهد شد. باید خاطر نشان ساخت که این مسایل بصورت ساده کلی و عام مطرح شده و نیروهای ملی و مترقی می‌توانند طرح‌های مشخص‌شان را ارائه نمایند.

### طرح مشخص نویسنده در ارتباط سالروز ۷ ثور و ۸ ثور

- ۱- نیروهای ملی، مترقی و غیروابسته باید هر دو روز را محکوم نموده و بر ضد آن‌ها به اشکال گوناگون مبارزه نمایند.
- ۲- باید یک جبهه وسیع ضد جنایت کاران جنگی ایجاد گردد و در مورد جنایت آن‌ها و کشاندن شان به دادگاه خلق کار خستگی ناپذیر صورت گیرد.
- ۳- در صورت امکان از تمام شهدا و زندانیان نیروهای ملی و مترقی که توسط هفت ثوری‌ها، هشت ثوری‌ها و طالبان و دیگر وابستگان امپریالیسم به قتل رسیده اند دفاع صورت گیرد و سوانح آنها به دست نشر سپرده شود.
- ۴- باید بنیاد فرهنگی شهدا و معلولین نیروهای ملی و مترقی ایجاد شود و از طریق آن اشعار، مضامین و دیگر فرآورده‌های هنری که در مورد جنایات کودتای ۷ ثور و هشت ثور تا امروز سروده، نوشته و یا آفریده شده است پخش و به نمایش گذاشته شود.
- ۵- باید یک نهاد شهدا و معلولین نیروهای ملی، مترقی و مردمی ایجاد گردد و از آن طریق به فامیل‌های شهدا و معلولین کمک صورت گیرد. در این کارها باید تمام نیروهای ملی و مترقی سهم گیرند زیرا بر آوردن همه این اهداف از توان و امکان یک گروه خارج است و باید همه نیروها در آن سهم خویش را ادا نمایند. به پیش در راه بسیج همه نیروهای مترقی، ملی و غیر وابسته بخاطر برپایی جنبش همگانی مردمی